

ادامه از صفحه اول

سیاسی شدن مرگ

که بهانه‌ای برای گسترش چنین اقدامات بدون حوموز را به آنها می‌دهد. «دهشت جمعی» که او معتقد است در سال‌های اخیر به اناهٔ مختلف در ذهن افراد اجتماع تکثیر شده، توجیهی است برای تحدید آزادی‌ها از طریق ساخت میلی همگانی به ایمنی. اگرچه به‌نظر می‌رسد آکامین خطر واقعی شیوع کرونا در سطح جهانی را دست‌کم گرفته است، اما ناکارآمدی سیستم درمانی و بی‌عدالتی در توزیع امکانات بهداشتی و پزشکی در تمام جهان - هر کشور به مقیاس سطح پیشرفت و به‌اقتضای جمعیت و موقعیت خود- محملی فراهم آورده برای تفکر در وضعیتی که به‌قول آکامین سالیانی است با وصف اضطراب و استثنائی، خود را به‌مثابه وضعیت مستقر جا انداخته است. زان لوک نانسی اما با نگاهی واقع‌بینانه، در پاسخ انتقادی کوتاه به آکامین ضمن تأیید اینکه هیچ شکّی وجود ندارد که امروزه تمدن بشری در تردید به‌سر می‌برد، نوشت: ما با نوعی

«استثناء ویروسی‌شده» در سراسر جهان مواجهیم که همه ما را درگیر خود کرده است و در این میان، دولت‌ها جز مجربان غم‌زدهٔ آن نیستند. او به‌دروستی معتقد است اکنون وقت تسویه‌حساب با دولت‌ها نیست و این رویکرد بیش از آن‌که تأملی سیاسی باشد، مانوری انحرافی است. از طرف دیگر، اسلاوی ژیزک، از پدیده عجیب بازگشت این تصور نوشت که پدیده‌های اجتماعی مثل بازارها یا سرمایه مالی موجوداتی زنده‌اند. به باور او، رسانه‌ها بنا دارند این تأثیر را القا کنند که «آنچه باید واقعاً نگران‌مان کند نه آن هزاران انسانی است که اکنون جان خود را از دست داده‌اند (و نه هزاران انسان دیگری که خواهند مرد)، بلکه آن‌چه به‌واقع نگران‌کننده است این واقعیت است که بازارها دارند تارارم و بی‌ثبات می‌شوند. ویروس کرونا به‌نحو فرآیندهای در حال برهم‌زدن جریان آرام بازار جهانی است و آن‌طور که به گوش می‌رسد نرخ رشد ممکن است در حدود دو تا سه درصد سقوط داشته باشد.»۲ از دید ژیزک این فرصتی است برای فهم این واقعیت که جهان نیازمند سازماندهی دوباره اقتصاد جهانی است بشکلی که دیگر طفیلی سازوکار بازار نباشد. او از نوعی سازماندهی جهانی سخن می‌گوید که بتواند اقتصاد را کنترل و تنظیم کند و درعین‌حال اقتدار دولت-ملت‌ها را محدود سازد. تعبیر «جنگ پزشکی» ژیزک برای ایدیمی ویروس کرونا از خامت اوضاع خبر می‌دهد، با این‌ن تبصره که ژئیزک این وضعیت وخیم را حامل پتانسیلی برای رهایی از شر سرمایه‌داری جهانی به‌شکل امروزی آن می‌داند که بعید است در وضعیت موجود چندان قرین به واقع باشد، گرچه او در تحلیل خود سه نمونه‌های عینی از این سمت‌وسو از جمله ملی‌کردن بیمارستان‌های خصوصی و فراخوان سازمان بهداشت جهانی برای تشریک سماعی دولت‌ها جهت مقابله با شیوع کرونا

اشاره می‌کند که از نظر او هر آینه از جهانی‌شدن مبتنی بر بازار فاصله می‌گیرد، و همکاری جهانی و ایستگی متقابل و کنش جمعی را مبنای خود قرار می‌دهد. با تمام تفاوت‌هایی که این سه تحلیل انتقادی با هم دارند، می‌توان خط نامرئی اما قطوری را در آنها بازشناخت که همانا تأکید بر بالقوه‌ی وضعیت اضطراری کرونایی است که شاید بتواند دست‌کم در سطح نظری امکان تفکر در نظم اقتصادی جهانی را به‌وجود آورد، چه به وضعیت موجود با بدبینی آکامینی نگاه کنیم که معتقد است این اوضاع به بسط اقتدار دولت‌ها و سرمایه‌داری موجود می‌انجامد، چه به ایده ژئزکی قائل باشیم که به نوعی وفاق جهانی برای از سر گذاردن این بحران و تغییر، امید بسته است. گرچه بعید است در وضعیت طاعونی اخیر که جهان گرفتار آن است، هرگونه انتقاد به شکل مدیریت جهانی یا به‌تعبیر زان لوک نانسی، تسویه‌حساب با دولت‌ها یا سرمایه‌داری کاری از پیش ببرد. بااین‌حال به‌قول فوکو نحوه حکومت‌داری در تمام جهان با بحران روبرو‌ست، از جهان غرب تا کشورهای سوسیالیستی که مردمان‌شان به‌سبب شیوه‌ای که اداره می‌شوند که احساس سختی و بی‌ثابی می‌کنند، و البته مقصود او مجموعه نهادها و رویه‌ها و تکنیک‌هایی است که مردم با آنها هدایت می‌شوند نه‌فقط دولت‌ها. با این اوصاف، در ترسیم وضعیت موجود با هر نوع شیوه حکومت‌داری، تقابل حفظ نظام انسان‌ها و حیات اقتصادی جوامع مطرح خواهد شد که در تحلیل‌های اخیر نیز به‌نحوی مستتر است، و شاید از مهم‌ترین مسائلی است که میل به تفکر در سازوکار جهانی اقتصاد را پدید آورده. اُفت شاخص‌های اقتصادی در چین و وال‌استریت و بازارهای مالی اروپایی و سایر نقاط جهان که روند آن از همان ابتدای شیوع کرونا آغاز شد و به‌زعم کارشناسان و متخصصان امر به‌طرز فرآیندهای شدت خواهد گرفت، این تقابل را پررنگ‌تر ساخته است. همین‌جا می‌توان مفهوم فوکویی «زیست‌سیاست» را نیز اضافه کرد. فوکو باور دارد که در عصر مدرن تکنیک‌های مختلفی برای اداره بدن‌ها یا به‌تعبیری به‌انقیاد درآوردن بدن‌ها وجود دارد که موجب شده حیات طبیعی در مکانیسم‌ها و محاسبات قدرت دولت‌ها ادغام شود، انسان مدرن برای ورود به دولت‌شهر ناگزیر حیات خود را در درون قلمرو قانون تعریف کرده. اما برخلاف نظر فوکو از منظر آنتوان شیعو «دوران مدرن یگانه عصر تحقّز زیست‌سیاست نیست، بلکه ارضاء همان دوره‌ای است که این رابطه، یعنی پیوند مرموز هستی سیاسی و حیات برهنه بیش از هر زمان دیگری عیان شده است.»۳ همچنین سیاسی‌شدن حیات شامل سیاستِ مرگ هم می‌شود.

ادامه از صفحه اول

جهان

کووید ۱۹ ضرورت بازنگری در سیاست‌های جهانی را عیان تر کرده است

کرونا و آزمونی برای پوپولیست‌ها



او مقامات دولتش را برای محدود نشان‌دادن مخاطرات این ویروس تحت فشار قرار داده است. ترامپ و برخی از مقامات دولت او گفته‌اند که این ویروس «نتیجه خوبی برای ما دارد» یا «چرخهٔ مشاغل در آمریکا در حرکت می‌اندازد». در کارولینای جنوبی ترامپ گفته بود که کرونا تحت کنترل است و هر چیزی خلاف این «قریب جدیدی» از‌سوی دموکرات‌ها برای کنارزدن او در انتخابات است. اما در واقعیت او هیچ مفری برای گریز از بار مسئولیت این ماجرا ندارد. هم‌زمان با گسترش کووید۱۹ و مرگ انسان‌های بیشتری براتر آن، ترامپ ممکن است از رویکرد اقتدارگرایانه پیشین خود به سرعت تغییر موضع دهد و به رویکردی برگردد که سال ۲۰۱۵ از رئیس‌جمهوری وقت آمریکا برای مبارزه با ابولا انتظار داشت: رویکردی که اتخاذ سیاست‌های ضربتی و شدید را می‌طلبدغیر از چین و آمریکا، دیگر دولت‌ها هم در شرایطی مشابه دست‌وپا می‌زنند. زاین در رسیدگی فوری به شیوع کرونا در کشتی دیاموند پرنسس ناکام ماند. کامیوج به کشتی دیگری، وستردام، اجازه داد لنگر اندازد و مسافرانش را رها کند؛ مسافرائی که دست‌کم یکی از آنها دچار این ویروس بود. در ایران هم حتی مقامات به این‌ بیماری دچار شده‌اند، و ویروس اکنون در حال درنوردیدن خلیج‌فارس است و می‌تواند لرزه‌های ژئوپلیتیکی عظیمی با خود داشته باشد. کره جنوبی هم پیش از برداشتن‌کام‌های جدی در اعلام قرنطینه، با پنهان‌کاری بیهوده میزان شیوع کرونا را در این کشور به رقمی عجیب رساند.

این همه‌گیری همه‌جانبه می‌تواند رکود شدید اقتصادی دردی داشته باشد. برخی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان زمینه چنین رکودی را هم دارند. مردم سفرهای خود را محدود کرده‌اند؛ مدارس تعطیل و کنفرانس‌ها لغو شده‌اند. اگر شیوع کرونا باوجود

نشستی که صندوق جهانی پول با محوریت کرونا با وزرای اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به‌جز ایران برگزار کرد، برنامه‌ها برای محافظت از مردم در مقابل کووید۱۹ و چگونگی کنترل صدمات اقتصادی ناشی از شیوع این بیماری را مورد بررسی قرار داد. برگزاری چنین نشستی بدون حضور یکی از کشورهای منطقه همان سیاست‌هایی است که ابتدایی همین نوشته از آنها انتقاد شد و به نظر نمی‌رسد که سرانجام خوبی هم داشته باشد. همان‌طور که برای کنترل بحران ۲۰۰۸، حکومت‌ها اختلافات خود را کنار گذاشتند، پاسخ به بحرانی به اسم کووید۱۹ هم به حرکت دوشادوش کشورهای ثروتمند و کمتر ثروتمند نیاز دارد. برای رسیدن به این هدف، کشورهای قدرتمندتر باید به کمک کشورهایی بایبند که در این شرایط اضطراری، ظرفیت‌های کمتری دارند، حتی اگر این کشورها رقیب و دشمن یکدیگر باشند. برای همین است که کشورهای قدرتمندی همچون آمریکا می‌توانند در برخی سیاست‌هایشان بازنگری کنند و برای مثال به‌صورت موقت برخی تحریم‌ها علیه کشورهای شکننده‌ای مانند ایران و کره‌شمالی را لغو کنند تا این کشورها بتوانند آنچنان که باید با این ویروس مقابله کنند.

پوپولیسم در تکتا

بله کووید۱۹ سومین بحران بزرگ جهانی پس از جنگ سرد است و احتمالا آمار تلفاتش از آن دو تای قبلی بیشتری می‌شود؛ آماری که محدودیت‌های سبک حکومت‌داری پوپولیسم را عیان می‌کند. پوپولیسم در گرایش ناسیونالیستش تعریف محدودی از ملت ارائه می‌دهد و به‌صورت ضمنی با عینی دیگر گروه‌ها از جمله اقلیت‌ها را نادیده می‌گیرد. این رویکرد پیشنهاد می‌کند که مردم باید از هر موضوع و ساختاری اعم از نهادهای تخصصی، رسانه‌های جریان اصلی، قضات، دانشگاه‌ها و احزاب غیرناسیونالیست مانند مهاجران، اتحادیه اروپا و جهانی‌گرایی که می‌توانند به تهدیدی داخلی یا خارجی تبدیل بشوند، چشم‌پوشی کنند؛ برای مثال می‌توان به نزدیکی ناسیونالیست‌های پوپولیست به جنبش‌های ضدواکسیناسیون اشاره کرد. ماتئو سالوینی درایتالیا، مارین لویون در فرانسه و ترامپ در آمریکا که زمانی گفته بود «تزیق چیزهای بد به بدن» را دوست ندارد، به این جنبش‌ها ابراز نزدیکی کرده و بارها گفته‌اند که واکسیناسیون نباید اجباری باشد و حتی خطرناک است. در چنین جهانی که پوپولیست‌ها هم متوجه شده‌اند زندگی در آن همواره عریاقل پیش‌بینی است، تخصص‌گرایی اهمیت دارد، ساختارها مستند دارند؛ واکنش روشنگرانه به این بحران اهمیت دارد، حتی اگر این پاسخ باب میل همه نباشد؛ سیستم جهانی دوباره باید خودش را ثابت کند.

تداوم هر چه بیشتر خود در این کشور را فراهم آورد، چراکه بدون شک ایالات متحده آمریکا هیچ‌گاه خاک عراق را به دلایل متعدد ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواونزیک ترک نخواهد کرد.

از طرف دیگر این مهم را هم باید در نظر گرفت که احتمالا آمریکا به‌جای حمله تلافی‌جویانه مستقیم که فقط می‌تواند حمله بعدی را به موضوع خود در پی داشته باشد و به تبع آن هزینه سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک را برای تداوم حضورش در عراق بیشتر کند، به‌دنبال آن است که در اقتضانات کنونی عراق به‌واسطه نبود گزینه‌ای قوی برای جانشینی نخست‌وزیری و خلا کابینه‌ای قدرتمند و نیز شیوع کرونا، یک بندر نیابتی را برای انتقام‌گیری خود در دستور کار قرار دهد تا ضمن پاسخ به حملات ضد مواضعش و تضعیف نیروهای محور مقاومت در عراق، هیچ‌گونه اتهامی را علیه خود شکل ندهد؛ به‌ویژه که با شکایت رسمی وزارت خارجه عراق از آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل در ماه مارس به‌دلیل بمباران پایگاه‌های ارتش و نیروهای نظامی این کشور و نقض حاکمیت عراق، اکنون آمریکا به‌دنبال احتیاط در انجام هرگونه اقدامی در این کشور است.پیرو این نکته با شیوع ویروس کرونا در استان‌های مختلف عراق و تمرکز نیروهای نظامی این کشور برای مقابله با این ویروس، هسته‌های خاموش داعش با حمایت واشنگتن از فرصت به‌وجودآمده استفاده کرده‌اند و دور جدیدی حمله‌ها را از سر گرفته‌اند. در این راستا عناصر مخفی داعش حملاتی را در منطقه «الحد الخضراء» در حومه «العباره» در شمال استان دیاله انجام دادند و روند تحولات میدانی نشان می‌دهد تئوریست‌ها می‌گوشتند حمله‌ها را در روزهای آینده در محورهای غرب، شمال غرب، شمال شرق و شرق استان دیاله تشدید کنند. حال باید دید که تحولات میدانی و امنیتی عراق در سایه سلسله حملات برخی نیروهای این کشور و ارتش ایالات متحده آمریکا به مواضع یکدیگر چه آینده‌ای را برای عراق رقم خواهد زد؟

رئیس‌جمهور خطاب به آمریکا: لیوان آب گل آلود شما را نمی‌خواهیم

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: رئیس‌جمهور در اولین جلسه هیئت دولت در سال جدید، نام‌گذاری سال ۱۳۹۹ هجری شمسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان سال «جهش تولید» را فرصت خوبی برای دولت، تولیدکنندگان، بخش خصوصی و همگان جهت تلاش مضاعف در مسیر ایجاد جهش در تولید دانست.حسن روحانی با بیان اینکه در سال جدید همه توانمان را باید در راه توسعه و پیشرفت کشور به کار بگیریم، به فهرستی از دستاوردهای اقتصادی دولت در سال ۹۸ اشاره کرد و گفت: رهبر معظم انقلاب، حرکت سریع‌تر و قوی‌تر در تولید را می‌خواهند و راه تحقق آن نیز انجام یک‌سری اقدامات زیربنایی و سریع است.او در ادامه عنوان کرد: اینکه آمریکایی‌ها می‌گویند در شرایط سختی کرونا

در فاصله ۱۰ روز اخیر پس از حمله دوم به پایگاه‌هایش هنوز واکنشی نشان نداده است؛ اما قرار نیست این انفعال دائمی باشد. ازاین‌رو هیچ تضمینی وجود ندارد که هر لحظه شاهد حمله تلافی‌جویانه ارتش ایالات متحده نباشیم، چراکه اساسا مسئله اخلاق در پیگیری منافع آمریکا، آن هم در منطقه حساس ژئواستراتژیک خاورمیانه جایی ندارد. پس سکوت ده روز واشنگتن را باید در عوامل دیگر جست‌وجو کرد.نکته دوم به این واقعیت بازمی‌گردد که حتی اگر به هر دلیلی کاخ سفید از انجام هرگونه واکنش و حمله تلافی‌جویانه‌ای در عراق دست بکشد، این برآورد و ارزیابی در جریان‌های مخالف حضور آمریکا در این کشور شکل خواهد گرفت که به‌واسطه همین حمله‌ها بوده که اکنون واشنگتن در موضع ضعف قرار گرفته است. اینجاست که شکل‌گیری چنین ارزیابی از تحولات میدانی در تقابل با ایالات متحده به شدت اهل رنگ و اقدامات قوی سبب افزایش و تشدید حملات راکتی و خمپاره‌ای به نیروهای آمریکایی خواهد شد.در این صورت هر اقدام و واکنشی، حتی تصمیمی انتحاری برای انجام حمله‌هایی شدید از سوی کاخ سفید قابل تصور است. آن هم درست در زمانی که دونالد ترامپ در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری قرار دارد و برای حفظ وجهه خود به‌منظور پیروزی در این انتخابات حاضر به هر کاری خواهد بود؛ ترامپی که در شرایط طبیعی هم نشان داده به‌شدت اهل رشک و اقدامات و واکنش‌های غیرمعقول و انتحاری است.مضاف بر آن نباید فراموش کرد که خط قرمز آمریکا، کشته و مجروح‌شدن نیروهایش در عراق و هر کشور دیگری است؛ ازاین‌رو در صورت تداوم حمله‌های خمپاره‌ای و راکتی و افزایش تلفات نیروهای آمریکایی، واشگتن ضمن موج‌سواری رسانه‌ای، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی به‌منظور حمله به ایران و نیروهای نظامی همسو با تهران در عراق از طریق برخی اتهام‌زنی‌ها، به‌دنبال کنارگذاشتن جنگ با تئوریسم و در ادامه تلاش برای احیای هسته‌های خفته داعش در عراق خواهد بود تا بهانه برای

عبدالرحمن فتح‌اللهی: سلسله‌کنش‌ها و واکنش‌ها میان برخی نیروهای عراقی و ارتش ایالات متحده آمریکا در قالب حملات راکتی و هوایی به مواضع یکدیگر سبب شده امنیت در عراق بیش از پیش تحت‌الشعاع قرار بگیرد. ۱۱ مارس ۱۸ راکت کاتیوشا به پایگاه التجاجی، محل استقرار نیروهای ائتلاف آمریکایی در شمال بغداد شلیک شد که در پی آن دو نیروی آمریکایی و یک انگلیسی کشته و ۱۴ نفر دیگر زخمی شدند. ارتش آمریکا با مقصدناستن نیروهای محور مقاومت در این حمله، به فاصله ۲۴ ساعت بعد حملات هوایی را علیه مواضع نیروهای حشدالشعبی در نزدیکی بغداد انجام داد؛ اما این پایان ماجرا نبود و یک روز پس از تلافی واشنگتن دوباره حمله مجددی به پایگاه التجاجی صورت گرفت و ۱۰ راکت به سمت این پایگاه شلیک شد که در نتیجه آن سه نیرو نظامی آمریکایی و دو نیروی عراقی به‌شدت زخمی شدند.حال توب در زمین ایالات متحده است و در این راستا واشنگتن معتقد است با گذشت نزدیک به دو هفته هنوز حمله ۱۴ مارس را تلافی نکرده است. در این میان برخی اخبار حکایت از واکنش تندتر آمریکا داشت و به نظر می‌رسید ذیل این مجموعه کنش‌ها و واکنش‌ها باید شاهد تداوم و حتی تشدید سلسله حملاتی باشیم که در نهایت عراق را به یک جنگ تمام‌عیار بکشاند و این کشور را به زمینی سوخته بدل کند.با وجود این وب‌سایت شبکه تلویزیونی «سی‌ان‌نیوز» اعلام کرد که به گفته یک مقام سابق و چهار مقام فعلی آمریکایی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، معتقد است به‌خاطر همه‌گیری ویروس کرونا، واکنش تلافی‌جویانه به حملات علیه آمریکا در عراق اقدام درستی نیست. اگر این گفته را مبنای سکوت کاخ سفید در برابر حمله راکتی دوم به التجاجی تلقی کنیم، ذکر چند نکته حائز اهمیت است؛ اولین مسئله ناظر بر این واقعیت است که نمی‌توان شیوع کرونا را دلیل استمرار سکوت آمریکایی‌ها در قبال حمله به پایگاه نیروهای نظامی خود قلمداد کرد.به عبارت دیگر اگرچه واشنگتن

ظریف: با مجازات جمعی مردم ایران توسط آمریکا مقابله کنید

وزیر خارجه ایران علاوه با رازینی‌های گسترده تلفنی با همتایانش در نقاط مختلف جغرافیایی، درباره تئوریسم اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران روشنگری می‌کند. محمدجواد ظریف در جدیدترین توییت خود و به‌بران جوامع را خطاب قرار داده است. محمدجواد ظریف گفت: مقابله با مجازات جمعی مردم ایران توسط آمریکا الزامی اخلاقی و عملگراییانه است. به گزارش ایسنا، وزیر امور خارجه در صفحه کاربری خود در توییتر نوشت: «مردم ایران به کارزار روزافزون جهانی دولت‌ها و رهبران جامعه مدنی که خواهان برداشته‌شدن تحریم‌های غیرقانونی ایالات متحده هستند، ارج می‌نهند. ایالات متحده گوش شنوایی ندارد و مانع مبارزه جهانی با کووید ۱۹ است. تنها راه چاره، با مجازات جمعی (مردم

ایران) توسط ایالات متحده، مقابله کنید. این الزامی اخلاقی و عملگراییانه است.»وزیر امور خارجه ایران از درباره تئوریسم اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران روشنگری می‌کند. محمدجواد ظریف در جدیدترین توییت خود و به‌بران جوامع را خطاب قرار داده است. محمدجواد ظریف گفت: مقابله با مجازات جمعی مردم ایران توسط آمریکا الزامی اخلاقی و عملگراییانه است. به گزارش ایسنا، وزیر امور خارجه در صفحه کاربری خود در توییتر نوشت: «مردم ایران به کارزار روزافزون جهانی دولت‌ها و رهبران جامعه مدنی که خواهان برداشته‌شدن تحریم‌های غیرقانونی ایالات متحده هستند، ارج می‌نهند. ایالات متحده گوش شنوایی ندارد و مانع مبارزه جهانی با کووید ۱۹ است. تنها راه چاره، با مجازات جمعی (مردم

ادامه از صفحه اول

کرونا کابوس ترامپ

دقیقا به‌همین دلیل دونالد ترامپ به تکاپو افتاده تا به هر طریق ممکن، دوباره به‌عنوان پیروز اصلی شناخته شود. در همین راستا به صاحبان مشاغل خُرد، وعده بسته پیشنهادی داده است. با این توضیح که بودجه هزار میلیارد دلاری این طرح باید به تأیید کنگره برسد که معلوم نیست چنین وعده‌ای تا روز انتخابات محقق شود یا خیر. همچنین پنهان‌کاری ترامپ در اعلام رسمی شیوع کرونا که البته با انگیره‌های انتخاباتی این اشتباه بزرگ را مرتکب شد، آمریکایی‌ها را هم در تأمین مواد غذایی و هم در تهیه مواد و اقلام پزشکی و دارویی با مشکلات زیادی روبه‌رو کرد، به‌همین دلیل می‌توان گفت کرونا، به کابوسی خوفناک و هراس‌انگیز برای دونالد ترامپ تبدیل شده است.

کارشناس مسائل بین‌الملل

بازماندگان این موج تاریخی

اکنون کووید ۱۹ آن هاله و سهم برتر را به جالش کشیده، قربانی گرفته و داستان بسیاری را به‌اشر رسانده است، کاری که بسیاری از سازمان‌های مردمی و انجمن‌های تخصصی در همه این دهه‌ها نتوانسته بودند انجام دهند و انباشته‌ای چنین به میدان آورند. ویروسی جهش‌یافته که هنوز خاستگاه آن، آزمایشگاه یا طبیعت، روشن نیست، سبک زندگی روزمره، الگوی زندگی کاری و آینده ما را به‌پریش گرفته است.

انقلاب صنعتی زندگی روستایی در خوشه‌های خوشیاوندی و هویت خانواده گسترده با دسترسی به فضا‌های باز را به هسته‌های کوچک شهری در خانه‌های کوچک ساختمان‌های چندین طبقه و جاری در فضاهای همگانی شهری دگرگون کرده‌بود. صنایع و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و فناوری فرمان جریان‌های اجتماعی را به‌دست داشتند و صدای منتقدان در میان هیاهوی صنعت و تجارت کم می‌شد. این روزها آن ارباب بزرگ برصدا ناچار شده بایستد و این فرصتی تاریخی است. منتقدان و کسانی که در پی انجام توسعه‌های پاندر و بازگرداندن جریان سازگارانه و روادارانه زندگی بوده‌اند، اکنون باید نقش تاریخی ایفا کنند. جهان پرشتاب، پرمصرف و شلوغی این روزها آرام گرفته و جمعیت در خانه با فردیت خود باید کناربیاید. از رقابت بکاهد، بیش‌تر بخوابد، کالاهایی را کنار بگذارد و اولویت‌های داشته و نداشته‌هایش را بازنگری کند. چنین تکانه‌ای می‌تواند جریان‌های فراوری و خدمات را دگرگون سازد.

برنامه‌های توسعه‌ای پنج- شش ساله و چشم‌اندازهای ده- بیست ساله با چالش‌های دو سال اخیر ایران دچار کندی و گرهِخوردگی شدند و اکنون کووید ۱۹ لرزه‌ای جهانی بر سر همه الگوی برنامه‌های و مدیریتی در جهان انداخته است که کشور ما هم از آن اثر می‌پذیرد. پیش‌لرزه‌هایی که ایران پیش از این و در طی یک دهه تجربه کرده، تحریم‌ها، دستاوردهای برجام و سپس تحریم‌های بسیار سخت، چالش‌های ویران‌گر طبیعی ازجمله زمین‌لرزه کرمانشاه و آذربایجان و سیل فراگیر که از کرانه‌های شمالی ایران تا استان‌های مرکز و جنوب ایران را دربرگرفت، مدل متفاوتی از شرایط را رقم زده است. پیش از گسترش کووید ۱۹ فروش نفت ایران محدود، تبادل تجاری و اقتصادی سسته و‌گردشگری ایران بخش زیادی از کسب‌وکارهای خارجی خود را از دست داده بود. مسک‌وکارهای ایرانی در سپهره جاشده از فضای فراوری و تجارت جهانی دورانی را سپری کرده‌اند و ناپایداری‌های شاخص‌های مالی جهانی بازگانی پیش از این تجربه شده بود. ما تنهایی و تهاتری را در جهان تجربه کرده‌ایم و تهاتر از دیگران به زندگی ادامه دادیم.

تنهایی امروز ما در ایران می‌تواند آن که و آن‌چه که از ما می‌ماند را به زرفای تاریکی بکشاند یا از سویی می‌تواند از ما مردمانی روارتر، با برنامه‌های کوتاه‌مدت و در سامانه‌هایی چابک‌تر و شبکه‌های اثربخش‌تر بازآرایی کند. کووید ۱۹ برخی از ما را کشته و باز هم خواهد کشت. نمی‌دانیم چه کسانی بازماندگان این موج تاریخی هستند، ولی می‌توانیم به آرام‌ترین‌های این کشور و در برابر نداشته‌ها و داشته‌ها، به بازنگری‌مان به سالمندان و گروه‌های ویژه، به خوراک‌رسانی به کودکان فراموش‌شده بپردازیم و ببینیم که ما، این تنه‌ایان در جهان، در روزهای کووید ۱۹ در نداری و دشواری، در بی پناهی، توانستیم شبکه‌ای از توانمندی مدنی را به جریان بیندازیم و توانستیم بر سر خط و مرزهای ساختگی دهه‌ها چیره شویم و با هر باور و رویکردی، ایران و مردم برپایمان کانون کار باشیم. پس از این روزها ما با موجی از نیازهای درمان‌های تنفسی، روان‌شناختی، کسب و کار، و مشاوره‌های ارتباطی روبرو خواهیم شد. باید نسبت به خاموشی و بازگشت بیماری‌های هشدارناشیم و کسب و کارهایی برای همین جریان یابند. این روزها ما باید باور کنیم بخشی از جامعه ایرانی از سیل، زمین‌لرزه،انفجار، ازدحام، آشوب، گرانی، نداری و کووید ۱۹ زنده می‌ماند، و تنهایی و خانه‌نشینی از این بازماندگان مردمانی با فلسفه متفاوتی می‌سازد. ایرانی‌هایی که نان از کلوئی هم نبرند، دهان از دروغ شسته باشند، لقمه از زخم یکدیگر نگیرند، در برابر ناپایداری‌های تجاری چابک‌تر باشند و از مغاک ترس و مرگ بیرون آمده‌باشند. جوانه‌های شاخه‌ها و رویش دامنه‌ها و دشت‌های ایران نویدبخش روزی نو و نوروزی دیگر است.